



در جستجوی تعلیم و تزکیه حکمت جویانه

درک و مدرک



در جستجوی تعلیم و تزکیه حکمت جویانه

درک و مدرک

مؤلفان: علیرضا دوستانی، محمدرئوف دوستانی

ویراستار: پژوهاد

طراح جلد: محمدهادی مهدوی کیا

صفحه آرا: زهرا مقدسی

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان:

قیمت:

شابک:

سرشناسه	:	دوستانی، علیرضا، ۱۳۴۳
عنوان و نام پدیدآور	:	در جستجوی تعلیم و تزکیه حکمت جویانه، درک و مدرک / علیرضادوستانی، محمدرئوف دوستانی
مشخصات نشر	:	
مشخصات ظاهری	:	۴۹ ص.
شابک	:	
وضعیت فهرست نویسی	:	
موضوع	:	
موضوع	:	
موضوع	:	
موضوع	:	
موضوع	:	
موضوع	:	
شناسه افزوده	:	
رده بندی کنگره	:	
رده بندی دیویی	:	
شماره کتابشناسی ملی	:	

فهرست

طلیعه.....	۳
فصل اول: واژه‌شناسی درک و مدرک	۵
معنای لغوی واژه «مدرک».....	۵
معنای اصطلاحی واژه «مدرک».....	۵
معنای لغوی «درک».....	۵
تعریف مدرک در جامعه امروز.....	۶
فرضیه‌ای درباره مدرک در جامعه مهدوی.....	۸
فصل دوم: تحلیل فرهنگ مدرک محوری	۱۰
بخش اول: دلایل مدرک‌گرایی.....	۱۰
بخش دوم: انحرافات و سوءاستفاده از مدرک.....	۱۳
بخش سوم: موضع انسان‌های فرهیخته نسبت به مدرک.....	۱۵
فصل سوم: پیش‌بینی ابزار تشخیص درک افراد در جامعه مهدوی.....	۱۸
بخش اول: امکان و اجازه پیش‌بینی جامعه مهدوی.....	۱۸
بخش دوم: نحوه پیش‌بینی جامعه مهدوی.....	۲۰
بخش سوم: شناسایی و طبقه‌بندی و تأیید قابلیت‌های افراد در جامعه مهدوی.....	۲۲
فصل چهارم: شیوه‌های پیشنهادی برای عبور از مدارک رایج	۲۴
شیوه اول: دریافت مدرک رایج با حداقل فرصت‌گذاری.....	۲۴
شیوه دوم: دریافت مدرک معادل.....	۲۴
شیوه سوم: ارائه قابلیت‌های جایگزین مدرک	۲۵



- فصل پنجم: آفت‌شناسی «جایگزینی قابلیت به جای مدرک» ۲۷
- آفت اول: ایجاد شکاف بین فرهیختگان مخالف مدرک و عوام جامعه ۲۷
- آفت دوم: پنهان ماندن قابلیت افراد بدون مدرک ۲۸
- آفت سوم: سوءاستفاده افراد بدون مدرک ۲۸
- آفت چهارم: ثبات قدم نداشتن افراد شایسته در برابر حذف مدرک ۲۹
- آفت پنجم: حذف مشاغل تولیدکننده مدرک ۲۹
- آفت ششم: مقبولیت نداشتن افراد شایسته در جامعه ۳۰
- آفت هفتم: سردرگمی افراد برای کسب قابلیت ۳۱

یکی از سؤالات متداول افراد از یکدیگر به خصوص در موقعیت‌های اداری و رسمی، سؤال دربارهٔ مدرک تحصیلی است. امروزه مدرک تحصیلی به ابزاری برای سنجش میزان درک و فهم و توانمندی افراد تبدیل شده است. در صد سال گذشته، مدرک تحصیلی یکی از شاخص‌های فرهنگی رایج در جامعه بوده؛ از این رو شایسته است که جایگاه واقعی و حقیقی این موضوع بررسی شود. متن حاضر با هدف بررسی جایگاه «درک و مدرک» در نظام تعلیم و تزکیهٔ تحول‌طلب، تدوین شده است.

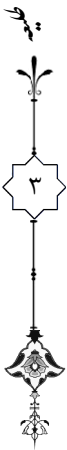
این متن برای سه‌دسته مخاطب توصیه می‌شود:

۱. والدینی که دغدغهٔ درک و مدرک فرزندشان را دارند.

۲. دانش‌آموزان و دانشجویان و طلبی که در محیط‌های آموزشی رایج، تعارض‌های گوناگونی بین درک و مدرک مشاهده کرده‌اند.

۳. مدیران مراکز آموزشی، اعم از مدارس رایج و مؤسسات تعلیم و تزکیه که خواستار تقویت درک مخاطبین خود و ایجاد تحول در مدرسه و دانشگاه هستند و اعطای مدرک، بدون در نظر گرفتن درک را ظلم به خود و مخاطب می‌دانند.

فصل اول: در این فصل به واژه‌شناسی درک و مدرک پرداخته می‌شود و تعریف مختصری از مدرک رایج در جامعهٔ امروز و مدرک مطلوب در جامعهٔ مهدوی ارائه می‌شود.



فصل دوم: در این فصل، فرهنگ مدرک‌محوری تحلیل می‌شود و نسبت دانش‌آموزان، دانشجویان، طلاب و دیگر اقشار جامعه با مدارک رایج بررسی می‌شود.

فصل سوم: در این فصل به پاسخ این سؤال پرداخته می‌شود: «وسیله شناسایی درک افراد در جامعه مهدوی چگونه خواهد بود؟»

فصل چهارم: در این فصل راهکارهایی ارائه می‌شود، برای کسانی که دغدغه اصلی خود را کسب مدرک نمی‌دانند؛ ولی مقابله و مخالفتی با کسب مدارک رایج ندارند.

فصل پنجم: در این فصل، به آفات متصور برای جایگزینی «قابلیت و مقبولیت» به جای مدرک اشاره می‌گردد.

فصل اول: واژه‌شناسی درک و مدرک

مدرک واژه‌ای پُرکاربرد در فرهنگ جامعه ماست. در این فصل، ابتدا تعریف لغوی و اصطلاحی دو واژه «درک» و «مدرک» بیان شده و سپس در پایان فصل فرضیه‌ای مبنی بر تعریف «مدرک در جامعه مهدوی» تقدیم می‌شود.

معنای لغوی واژه «مدرک»

مدرک از ریشه دَرَك و بر وزن مَفْعَل است. وزن مفعّل برای معرفی مکان یا وسیله، به کار می‌رود، مانند معبد به معنای محل عبادت. بنابراین مدرک به معنای وسیله درک است.

معنای اصطلاحی واژه «مدرک»

برای تعریف معنای اصطلاحی می‌گوییم: معمولاً در جامعه، وقتی راجع به مدرک صحبت می‌شود و این واژه به کار می‌رود، شنونده چه مصادیقی در ذهن خود تصور می‌کند. بیشترین کاربرد مدرک در جامعه امروز، مدارجی است که در ساختارهای رسمی آموزشی کشور، به واجدین شرایط اعطا می‌شود، مانند دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس، دکتری و...

معنای لغوی «درک»

در لغت‌نامه دهخدا درک به معنای «فهم و دریافتن» است و در فرهنگ‌نامه عمید، درک یعنی؛ «دریافتن، پی بردن، رسیدن به چیزی یا



حاجتی.» در مفردات راغب، درک «حرکت و راه رفتن تدریجی» معنا شده است و در التحقيق فی لغات القرآن، درک یعنی؛ «رسیدن و احاطه کردن: چه آنچه احاطه می‌شود یا احاطه می‌کند، مادی باشد و چه معنوی باشد.»

تعریف مدرک در جامعه امروز

«مدارج و نشانه‌هایی که با طی نمودن دوره‌های مشخص در موضوعات گوناگون، توسط سازمان‌های رسمی یا مؤسسه‌های قابل اعتماد به افراد داده می‌شود تا در جامعه مقبولیت داشته باشد.»

این تعریف پنج رکن اصلی دارد که به‌طور مختصر درباره هر یک توضیحاتی داده می‌شود:

۱. مدارج و نشانه‌ها: هر مدرک را می‌توان معرف درجه و نشانه‌ای برای صاحب مدرک دانست. این نشانه‌ها و مدارج با عناوین مختلفی نام‌گذاری شده است، مثل احکام مختلف رشته‌های ورزشی، نشانه‌های نیروهای نظامی، تأییدهای تحصیلی مختلف در دوازده سال آموزش و پرورش، فوق دیپلم، لیسانس، دکتری، گواهینامه رانندگی و

۲. طی نمودن دوره‌های مشخص: هر مدرک با توجه به آموزش‌های لازم و توانمندی‌های مورد انتظار به افراد اعطا می‌شود. منظور از طی کردن دوره‌های مشخص، گذراندن آموزش‌های لازم یا کسب تجربه یا ارائه توانمندی‌هاست؛ به‌عنوان مثال گذراندن دوره‌های



مختلف ورزشی، کسب تجربه در فعالیت‌های نظامی، گذراندن کلاس‌های درسی و موفقیت در آزمون‌های آن و یادگرفتن مهارت رانندگی.

۳. موضوعات گوناگون: هر مدرک ممکن است معرف یک عرصه و رشته باشد. منظور از موضوعات گوناگون عناوین مختلفی است که نوع توانمندی صاحب مدرک را معین می‌کند، مثلاً حکم‌های رشته‌های مختلف ورزشی، درجات نیروهای نظامی زمینی و هوایی و دریایی، رشته‌های تحصیلی در مدارس، رشته‌های مختلف دانشگاهی، گواهی‌نامه‌های رانندگی موتور سیکلت یا سواری یا ماشین‌های سنگین دیگر.

۴. سازمان‌های رسمی و مؤسسات قابل اعتماد: هر مدرک در صورتی معتبر است که توسط سازمانی رسمی که از طرف حکومت‌ها تأیید شده، به صاحب مدرک ارائه گردد. علاوه بر سازمان‌های دولتی، ممکن است مؤسسات مردمی نیز با مجوزهایی که از مراکز دولتی می‌گیرند و بر اساس اعتمادی که در جامعه کسب می‌کنند، مدرک‌های مختلفی را به افراد اعطا نمایند، مانند سازمان تربیت بدنی، ارتش و سپاه، راهنمایی‌وراندگی و...

۵. در جامعه مقبولیت داشته باشد: هر مدرک باعث می‌شود، اشخاص حقیقی و حقوقی در جامعه به صاحب مدرک اعتماد کنند. مقبولیت یافتن صاحب مدرک در جامعه، به این معناست که ارائه‌کننده مدرک، بین دیگران پذیرفته می‌شود.



فرضیه‌ای دربارهٔ مدرک در جامعهٔ مهدوی

کسی که منتظر ظهور است، شایسته است هنجارها و تعاریف واقعی و موجود در جامعه را به صورت دائمی با تعاریف متصور حقیقی در جامعهٔ مهدوی مقایسه نماید.

پس از بیان تعریف مدرک در جامعهٔ امروز، این سؤالات به ذهن می‌رسد:

۱. در جامعهٔ مهدوی، از چه مدارج و نشانه‌هایی استفاده می‌شود؟
۲. در جامعهٔ مهدوی، افراد برای اینکه از طرف امام زمان خویش تأیید شوند، چه دوره‌هایی را باید طی کنند؟
۳. در جامعهٔ مهدوی، موضوعات مورد نیاز آموزشی برای افراد گوناگون جامعه چگونه تعیین می‌شود؟
۴. در جامعهٔ مهدوی، چه سازمان‌ها و نهادهایی حق اعطای مدرک را دارند؟
۵. در جامعهٔ مهدوی، قابلیت افراد چگونه ارزیابی می‌شود و مقبولیت افراد در جامعه، تابع چه مؤلفه‌هایی است؟

برای پاسخ به این سؤالات یا دیگر سؤالات مشابه، لازم است از برهان و سیره و سخن معصومین (علیهم‌السلام) استفاده کنیم. به عنوان مثال سؤالات قبلی را این گونه بپرسیم: در زمان حکومت حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امام علی (علیه‌السلام)؟



۱. در زمان معصومین (علیهم‌السلام) مردم چه مدارج و نشانه‌هایی را دریافت می‌کردند؟

۲. در چه صورت مردم از معصومین مدارج و نشانه دریافت می‌کردند؟

۳. معصومین چه موضوعاتی را به مردم ارائه می‌دادند؟

۴. تشکیلات و ساختار تأیید صلاحیت افراد در زمان معصومین (علیهم‌السلام) چگونه بوده است؟

۵. قابلیت‌ها و شایستگی‌های صحابه و مردم در زمان معصومین (علیهم‌السلام) چگونه ارزیابی می‌شده و یاران تأییدشده حضرات معصومین (علیهم‌السلام) چگونه در جامعه مقبولیت پیدا می‌کردند؟

با تأمل در این سؤالات، شاید بتوان فرضیه‌ای را برای جایگاه مدرک در حکومت امام زمان (علیه‌السلام) طرح نمود: «پس از ظهور، مردم به بلوغی رسیده‌اند که با معرفت یافتن نسبت به معیارهای مدنظر امام زمان (علیه‌السلام)، می‌توانند قابلیت افراد مختلف را تشخیص دهند. به‌طوری که دیگر سقیفه تکرار نشود و افراد شایسته، صرفاً با ارائه خدمت به مردم در راستای اهداف و برنامه‌های امام زمان (علیه‌السلام) در جامعه مقبولیت پیدا می‌کنند.»

در فصل سوم، این فرضیه مفصلاً تبیین خواهد شد.

فصل دوم: تحلیل فرهنگ مدرک محوری

این فصل دارای سه بخش است:

در بخش اول، به دلایل مردم برای مدرک گرایی اشاره می‌شود؛

در بخش دوم، انحرافات و خطاها و سوءاستفاده‌هایی که از مدرک شده و می‌شود، ذکر می‌گردد؛

در بخش سوم، موضع انسان‌های فرهیخته نسبت به مدرک در جامعه امروز، تبیین می‌شود.

در این فصل هر جا کلمه «مدرک» به کار برده می‌شود، منظور «مدرک اصطلاحی در جامعه» است که معادل دیپلم، لیسانس و... است و ملاک حقیقی تشخیص درک نیست. تبیین معنای مدرک حقیقی، در فصل سوم آمده است.

بخش اول: دلایل مدرک گرایی

اگر از مراکز ارائه‌کننده مدرک و دانش‌آموزان و دانشجویان و طلابی که برای کسب مدرک، دوره‌هایی را طی می‌کنند و والدینی که فرزندان خود را به کسب مدرک تشویق می‌کنند، سؤال شود که دلایل ارزشمندی مدرک در ذهن شما چیست یا به چه دلیل مدرک را ارزشمند می‌دانید، جواب‌های گوناگونی دریافت می‌کنیم، از جمله:



۱. مدرک بالاتر نشان‌دهنده شأن اجتماعی عالی‌تر

ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که معمولاً هرکس مدرک بالاتری داشته باشد، از جایگاه و منزلت بهتری برخوردار است. اکثر مردم اگر بدانند فردی تحصیلات دانشگاهی بالاتری دارد، از تحقیقات دیگر دربارهٔ معرفت و معنویت او صرفه‌نظر می‌کنند. در این جامعه، اگر مدرک داشته باشی، می‌توانی خود را یک سَروگردن بالاتر نشان دهی!

۲. مدرک، لازمهٔ استخدام رسمی و دولتی

نزدیک به یک قرن است که نظام آموزش رسمی در کشور رایج شده است و در این مدت، دولت‌های مختلف سعی داشته‌اند، مردم را به تحصیلات رسمی تشویق کنند. در این راستا هرگونه استخدام دولتی و رسمی، منوط به ارائهٔ مدرک‌های مرتبط است. به عبارت دیگر اگر کسی مدرک بالاتری داشته باشد، امکان استخدام در مراکز رسمی و دولتی را بیشتر دارد؛ بنابراین هر فرد مقید به ارتقای مدرک خود است.

۳. مدرک، وسیله‌ای برای کسب اعتماد

یکی از راه‌های اعتماد افراد به دیگران، اطلاع از مدرک تحصیلی آنهاست. فرهنگ رایج میان مردم، به گونه‌ای است که اگر بخواهند امانتی را به کسی بسپارند، معمولاً کسی را ترجیح می‌دهند که مدرک بالاتری دارد. یا اگر دو نفر درخواست مشابهی داشته باشند، معمولاً مردم کار کسی را راه می‌اندازند که مدرک بالاتری دارد؛ چون به او اعتماد بیشتری دارند!



۴. مدرک، معرف توانمندی

همه مردم، قادر به تشخیص توانمندی افراد نیستند؛ بنابراین لازم است مؤسسات رسمی به وسیله مدرک، افراد توانمند را به جامعه معرفی کنند. در جامعه ما مدرک نشانه تحصیلات است و امیدواری وجود دارد که فرد تحصیل کرده نسبت به دیگران، توانمندی بیشتری داشته باشد. به عبارتی، مدرک هر فرد، مهر تأییدی بر توانمندی‌های اوست!

۵. مدرک، ابزاری برای طبقه‌بندی مشاغل

نظام حکومتی برای طبقه‌بندی مشاغل و ایجاد نظم مدنظر خود، لازم است که مدارک و مدارجی را برای مردم معرفی کند. همان‌طور که مردم از نظر اقتصادی، سنی و... متفاوت‌اند و رشد هر فرد در توانمندی اقتصادی بیشتر یا طول عمر بیشتر است، در تحصیلات نیز شخصی که مدرک بالاتری داشته باشد، از طبقه‌های برتر جامعه محسوب می‌شود!

۶. مدرک، اجر و پاداش تحصیلات

افرادی که زحمت کشیده و دوران تحصیلی را طی نموده‌اند، لازم است که نشانه‌ای داشته باشند و آن نشانه مدرک است. همان‌طور که هرکس خدماتی انجام می‌دهد، مزدی دریافت می‌کند؛ پس کسی که مطالعاتی انجام می‌دهد یا آموزش‌هایی می‌بیند هم لازم است، اجر حمایتی را که برای کسب علم تحمل کرده است، در قالب مدرک دریافت کند.

۷. مدرک وسیلهٔ سنجش علم و توانایی

برای هر چیزی وسیلهٔ سنجشی وجود دارد، مثلاً برای اندازه‌گیری طول از متر و برای اندازه‌گیری مایعات از لیتر و... استفاده می‌شود. برای اندازه‌گیری میزان تحصیلات هر فرد نیز لازم است، وسیلهٔ سنجشی باشد که همان مدرک است.

بخش دوم: انحرافات و سوءاستفاده از مدرک

۱. ارزش‌گذاری انسان‌ها براساس مدرک: به‌جای در نظر گرفتن ویژگی‌های اخلاقی، توانمندی‌ها، مروت و معرفت، منحصرأ افراد به وسیلهٔ مدرک ارزش‌گذاری می‌شوند!

۲. اولویت‌بندی افراد با مدرک بدون در نظر گرفتن توانمندی‌ها: سازمان‌های رسمی مجبورند، کسانی را استخدام کنند که مدرک بالاتری ارائه کرده‌اند و نمی‌توانند انسان‌های توانمند را بدون مدرک بالا بپذیرند.

۳. قضاوت افراد با مدرک بدون توجه به سوابق: به‌جای توجه به توانمندی و سوابق و نمونه فعالیت‌های فرد، قابلیت افراد صرفأ به وسیلهٔ مدرک، قضاوت می‌شود. شناخت قابلیت و توانمندی افراد، مؤلفه‌های بسیار زیادی دارد که با مدرک سنجش‌پذیر نیست.

۴. اعطای مدرک، بستری برای سود اقتصادی بعضی مؤسسه‌ها: مراکز و مؤسسه‌هایی در جامعه رشد کرده‌اند که با اعطای مدرک به افراد، سود اقتصادی می‌برند. اعطای مدرک به شغل تبدیل شده است!

۵. تبدیل مدرک به ابزاری برای قضاوت توانمندی‌ها: دولت، خود را از «قدرت تشخیص مردم» برای شناسایی افرادِ توانمند محروم کرده و قضاوت راجع به توانمندی افراد را صرفاً به مدرک سپرده است.

۶. تغییر یافتن هدف علم‌آموزی و تقلیل آن به دریافت مدرک: به جای اینکه هدف تحصیل، کسب توانمندی باشد، هدف صرفاً کسب مدرک شده است.

۷. توجه به مدرک مانع توجه به علم: به دلیل توجه زیاد به مدرک، از معانی والای علم، مانند حدیث شریف: «علم نوری است که در قلب ساطع می‌شود»^۱ غفلت شده است.

۸. تبدیل مدرک به عامل کسب رزق و روزی: اصالت‌بخشی به مدرک، به حدی فراگیر شده است که مدرک عامل اصلی جلب رزق و وسعت روزی تلقی می‌شود!

۹. توجه به مدرک، مانع توجه به سودمندی علوم: سودمندی علوم به فراوانی سپرده شده است و علومی مقبول‌تر است که زودتر تبدیل به مدرک شود و مدرک معتبر و موقعیت شغلی بهتری داشته باشد.

۱. امام صادق (علیه السلام): «لَيْسَ الْعِلْمُ بِكَثْرَةِ التَّعَلُّمِ وَإِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ...» (شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، منیه المرید، ص ۱۴۹، حدیث عنوان بصری)

۱۰. مدرک بستری برای فخرفروشی: داشتن مدرک به یکی از زینت‌های دنیا تبدیل شده و عامل فخرفروشی است.

۱۱. مدرک ابزاری برای سبقت افراد از یکدیگر: وسیله‌بودن مدرک، تبدیل به هدفی شده است که افراد برای رسیدن به آن مسابقه می‌دهند.

۱۲. مدرک جایگزین هدف متعالی انسان: هدف متعالی انسان، کسب معرفت است که جای خود را به مدرک داده است.

۱۳. تبدیل مدرک به عامل طلبکاری افراد از جامعه: افرادی که مدرک دارند، طلبکار جامعه و مؤسساتی هستند که مدرک به آن‌ها داده است.

۱۴. مدرک عاملی برای سطحی‌شدن علوم: با توجه به اینکه معمولاً در قبال آزمون، مدرک داده می‌شود، افراد تا هنگام گرفتن مدرک می‌توانند به سؤالات جواب دهند و بعد از آن نمی‌توانند به سؤالات پاسخ دهند؛ چرا که علوم در حافظه کوتاه‌مدت افراد ثبت شده است.

بخش سوم: موضع انسان‌های فرهیخته نسبت به مدرک

با توجه به نگاه‌های مثبت و منفی جامعه نسبت به مدرک و سوءاستفاده‌هایی که در جامعه از مدرک می‌شود، می‌توان نوع نگاه و نسبت انسان‌های فرهیخته را با مدرک تبیین نمود.

۱. انسان فرهیخته دائماً با خود مرور می‌کند که نباید توجهش به مدرک بُت‌گونه باشد؛ همانند توجه بت پرست به بُتش! انسان خودآگاه در ضمیر خویش متوجه می‌شود که بت، واقعیتی ناتوان است. واقعیت است؛ چون که وجودی را جلوی خود گذاشته و می‌پرستد و ناتوان است؛ چون می‌داند از این بت کاری ساخته نیست!

ممکن است انسان فرهیخته، ناگزیر به سمت مدرک گرایش داده شود؛ اما توجه دارد که نگاه جامعه امروز به مدرک، مثل نگرش بت پرستان به بت‌هایشان است. افرادی که دنبال مدرک هستند، به ناکارآمدی آن واقف‌اند، اما با این حال گرایش عموم جامعه به سمت مدرک است. به‌میزانی که افراد جامعه دنبال کسب مدرک هستند، نسبت به قابلیت‌های افراد بی‌توجهی کرده‌اند. خلاصه اینکه انسان فرهیخته، دائماً با خویش‌تن گفتگو دارد و از خود می‌پرسد: «مدرک چقدر اعتبار دارد؟ چقدر از اعتبار مدرک، به‌خاطر اعتباردهی جامعه یا جعل اعتبار است؟ مدرک چقدر اعتبار حقیقی دارد؟!»

۲. انسان فرهیخته متوجه است که انسان‌های زیادی وجود دارند که با وجود نداشتن مدرک معتبر، از بهترین صاحب‌نظران به حساب می‌آیند و می‌توانند معتمد مردم باشند. انسان فرهیخته شغل‌هایی را در جامعه رصد می‌کند که صاحبان آن مشاغل، به‌خاطر توانمندی و اعتمادی که بین مردم داشته‌اند، به‌مراتب و جایگاه عالی رسیده‌اند، اگرچه دارای مدرک هم نبوده و به‌واسطه مدرک رشد نکرده‌اند.

۳. انسان فرهیخته، توانمندی صاحبان مدرک را بررسی می‌کند و افراد دارای مدرک را صرفاً به واسطهٔ مدرکشان قضاوت نمی‌کند. همان طور که عموم مردم، به صرف داشتن مدرک پزشکی، جسمشان را در اختیار پزشک قرار نمی‌دهند؛ بلکه پرس‌وجو می‌کنند و سوابق پزشکی او را جویا می‌شوند.

۴. انسان فرهیخته، امور مربوط به نیازهای روزمرهٔ خود را به دست افراد توانمند و حاذق می‌سپارد و کمتر این خطر را می‌پذیرد که اموراتش را صرفاً به افراد دارای مدارک عالی بسپارد. به عنوان مثال، برای تعمیر خودروی خود به جای سؤال از مدرک تعمیرکار، حاذق بودن و توانمندی او را از طریق سوابقش بررسی می‌کند.

۵. انسان فرهیخته دربارهٔ این سؤال، قضاوت منطقی دارد: آیا فردی که دارای مدرک عالی دانشگاهی است؛ اما سابقهٔ کار ندارد، در جامعه موفق تر است یا فردی که دارای سوابق درخور اعتماد است؛ اما مدرک ندارد؟

فصل سوم: پیش بینی ابزار تشخیص درک افراد در جامعه مهدوی

در این فصل برآنیم که جایگاه مدرک را در جامعه مهدوی پیش بینی کنیم. همان گونه که در پایان فصل اول اشاره شد، در جامعه مهدوی انتظار می رود، مردم به بلوغی رسیده باشند که به معیارهای امام زمان خویش معرفت پیدا کنند و بتوانند قابلیت افراد مختلف را تشخیص دهند تا دیگر سقیفه تکرار نشود و افراد شایسته، با ارائه خدمت به مردم و در راستای اهداف و برنامه های امام زمان عج مقبولیت لازم را در جامعه کسب کنند.

مطالب این فصل به سه بخش اصلی تقسیم می شود:

بخش اول: آیا امکان و اجازه پیش بینی جامعه مهدوی را داریم؟

بخش دوم: چگونه می توان جامعه مهدوی را پیش بینی کرد؟

بخش سوم: توانمندی افراد در جامعه ایدئال، همچون جامعه مهدوی

چگونه شناسایی و طبقه بندی و تأیید می شود؟

بخش اول: امکان و اجازه پیش بینی جامعه مهدوی

شناخت جامعه مهدوی برای کسانی که «انتظار فرج» را با فضیلت ترین اعمال زمان غیبت می دانند، یک ضرورت است. اما در این باره سؤالاتی نیز مطرح است: ما چقدر می توانیم، جامعه بعد از ظهور را پیش بینی کنیم؟ با توجه به محدودیت های عملی و عقلی، چقدر اجازه داریم، جامعه پس از ظهور را به تصویر بکشیم؟ آیا انتظار فرج به معنای ایجاد تحولی است

که نمی‌دانیم چگونه است یا به معنای حرکت به سمت آرمان‌هایی است که می‌دانیم به دست مبارک حضرت مهدی علیه السلام محقق می‌شود؟

شیعیان به عنوان منتظران ایجاد عدالت پس از ظهور، هم در توانایی و هم در دانایی فاصله بسیار زیادی تا دانایی‌ها و توانایی‌های زمان ظهور دارند و برای کاهش این فاصله، دو دیدگاه کاملاً متفاوت تصور می‌شود:

دیدگاه اول: فاصله موجود با زمان ظهور، فقط توسط حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام برطرف می‌شود. جهان مملو از ظلم و جور خواهد شد و فقط حضرت می‌توانند جهان را از قسط و عدل پُر کنند و ما شیعیان تا قبل از ظهور، توانمندی ایجاد قسط و عدل را نداریم.

دیدگاه دوم: فاصله موجود با زمان ظهور، باید توسط شیعیان به حداقل برسد. در آستانه ظهور، شیعیان به چنان توانمندی و دانایی رسیده‌اند که مقدمات ظهور را فراهم می‌کنند. در این دیدگاه، عامل اصلی ظهور، مردم و حرکت و تلاش ایشان است.

با کمی تأمل در این دو دیدگاه، به این نتیجه می‌رسیم که در هر یک از نظریه‌ها، نوعی مطلق‌گرایی و نگاه افراطی وجود دارد. با شناختی که از انسان و سیره ائمه معصومین علیهم السلام داریم، نظریه سومی را برای میزان اثربخشی امام زمان علیه السلام و شیعیان در وقوع ظهور بیان می‌کنیم.

دیدگاه سوم: همه انسان‌ها به خصوص منتظران حقیقی برپاکننده عدالت، در تأخیر و تعجیل ظهور نقش دارند؛ ولی نقش آن‌ها مطلق

نیست. به این معنا که منتظران می‌توانند با اختیارشان مقدمات ظهور را فراهم کنند؛ اما اگر به این زمینه‌سازی بی‌توجه باشند، در مسیر رشد به فَرّازونشیب‌هایی دچار می‌شوند تا به این خودباوری برسند که باید با اختیار شرایط ظهور را فراهم کنند. در هر دو حالت، امام زمان علیه السلام به‌عنوان حجت خداوند و قطب و محور رویکردهای انسانِ منتظر، نقش‌آفرینی می‌کنند.

دیدگاه سوم را با مثالی تبیین می‌کنیم: در اجرای یک تئاتر، کارگردان نقش اصلی را دارد و بدون کارگردان، برگزاری تئاتر تصور نمی‌شود. نقش کارگردان در همه کارها، از جمله تهیه و انتخاب متن، طراحی صحنه، هدایت هنرپیشگان، دعوت از تماشاچیان، هماهنگی عوامل پشت صحنه و... ضروری و انکارنشدنی است. اما نقش اساسی و مهم کارگردان، به‌معنای بی‌نیازی تئاتر از هنرپیشگان نیست، به‌نحوی که هر هنرپیشه حتی به‌اندازه پلک‌زدن یا تغییر لهجه در آفرینش تئاتر نقش دارد.

بخش دوم: نحوه پیش‌بینی جامعه مهدوی

حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «الْمَهْدِي، مِنْ وَلَدِي، إِسْمُهُ إِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي. أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقاً وَ خُلُقاً»^۱
 مهدی از فرزندان من است. اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. او از نظر صورت و سیرت شبیه‌ترین مردم به من است.^۲

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، باب ۲۵، صص ۵۳۴ و ۵۳۵، ح ۱.
 ۲.



اعتقاد شیعیان این است که نقشهٔ هدایت بشریت توسط حضرت رسول ﷺ طراحی گردید، توسط حضرت ام‌ابیه‌ها (علیها السلام) مجسم شد، به واسطهٔ مولا امیرالمومنین، علی (علیه السلام)، پایه‌ریزی و به نمایش گذاشته شد و توسط امام زمان (علیه السلام) به طور کامل اجرایی و عملیاتی خواهد شد. از این رو، امام زمان (علیه السلام) مبتنی بر شریعت و عملکرد معصومین قبل از خود، حکومت تشکیل می‌دهند؛ بنابراین برای پیش‌بینی جامعهٔ مهدوی، کافی است که قرآن و زندگی رسول اعظم ﷺ را دائماً بازخوانی کنیم و یقین داشته باشیم، روش حکومت امام زمان (علیه السلام) برگرفته از نقشه‌ای است که در قرآن تبیین گردیده و توسط حضرت محمد ﷺ اجرا شده است.

در اینجا سؤالی پیش می‌آید: «عملکرد امام زمان (علیه السلام) طبق روش‌های حضرت رسول ﷺ و با توجه به پیشرفت و پسرفت‌هایی که از صدر اسلام تاکنون و تا ظهور رخ داده و رخ خواهد داد، چگونه است؟»

به‌طور مثال آیا امام زمان (علیه السلام) امکانات جامعه را به سطح جامعهٔ حضرت رسول ﷺ برمی‌گردانند، مثلاً وسایل ارتباطی و نقلیهٔ رایج در صدر اسلام، دوباره احیا می‌شود یا بشر می‌تواند، روش درست استفاده کردن از این امکانات را از امام خویش فراگیرد؟

پاسخ این سؤال بر اساس آیهٔ ۲۱ سورهٔ احزاب ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ و نیز بر اساس آیهٔ ۱۴۳ سورهٔ بقره ﴿... وَ يَكُونُ الرَّسُولَ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ این است: حضرت رسول ﷺ برای امام زمان (علیه السلام) همیشه به‌عنوان اسوه و شاهد هستند. چه بسا امکانات و روش آن‌ها

در زمان ظهور به خاطر مغایرت با قرآن و عترت، متحول و دگرگون شود و نیز چه بسا امکانات و شیوه‌هایی که در زمان ظهور توسط امام عصر علیه السلام مٌهر تأیید خواهد خورد.

سؤال پایانی این است: ما به عنوان حلقهٔ میانی صدر اسلام و دوران پس از ظهور، چه نسبتی با نبی اعظم صلی الله علیه و آله و امام زمان علیه السلام داریم؟

پاسخ اجمالی این است: منتظرانِ عدالت نسبت به امت صدر اسلام، توانمندتر و امکانات بیشتری دارند و نسبت به زمان ظهور، راه نرفته و اعمال صالح انجام ندادهٔ زیادی دارند. بر این اساس وظیفه داریم که با عبرت از گذشته، آینده را پیش‌بینی کنیم و خود را برای آن آماده نماییم.

بخش سوم: شناسایی و طبقه‌بندی و تأیید قابلیت‌های افراد در جامعهٔ مهدوی

در این قسمت برآنیم که جایگاه مدرک حقیقی یعنی؛ تشخیص میزان درک افراد، توسط هریک از اعضای جامعه را به تصویر بکشیم.

چه بسا پس از ظهور، عموم مردم به این آگاهی برسند که بدون در نظر گرفتن جایگاه اشخاص، شخصیت اشخاص را بشناسند.

چه بسا پس از ظهور، عموم مردم عامل به این کلام مولا علی علیه السلام شوند: «أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ».^۳

چه بسا پس از ظهور، افراد جامعه منتظر تأیید مستقیم مصادیق،

توسط امام زمان علیه السلام نباشند؛ بلکه به میزانی از توانمندی برسند که معیارها و مفاهیم را از ایشان دریافت کنند و خودشان مصادیق را شناسایی کنند.

چه بسا پس از ظهور، همان گونه که همراهان مولا علی علیه السلام در جنگ جمل، فریب جایگاه فرمانده جبهه مقابل^۴ را نخوردند، افراد جامعه مهدوی نیز قادر باشند که سیره را از ناسیره تشخیص دهند.

چه بسا پس از ظهور، همان گونه که امروزه برای سپردن جسم بیمار به جراح، به مدرک دانشگاهی او اکتفا نمی‌شود و مؤلفه‌های بسیاری برای پذیرش جراح مدنظر قرار می‌گیرد، مردم آن جامعه نیز به دنبال اعطای یک برگه معرفی توسط امام به دیگران نیستند؛ بلکه توسط امام شناخت و آگاهی لازم را پیدا می‌کنند که اولاً بتوانند دیگران و محل‌های رجوع خود را بشناسند و ثانیاً خود را بدون نیاز به برگه معرفی به دیگران بشناسانند.

چه بسا در زمان ظهور، افراد پیرو حضرت به دنبال قابلیت باشند نه در پی مقبولیت.

چه بسا در زمان موعود، مُشک آن باشد که ببوید، نه آنکه عطار بگوید.

۴. در جنگ جمل، عایشه یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، فرمانده لشکر مقابل بود.

فصل چهارم: شیوه‌های پیشنهادی برای عبور از مدارک رایج

در این فصل برآنیم، راه‌های عبور از «فرهنگ رایج مدرک‌گرایی» را معرفی کنیم و به سوی «فرهنگ توجه به قابلیت‌ها» حرکت نماییم. به بیان دیگر، راه‌های عبور از وضع موجود مدرک به وضع مطلوب را در جامعه، تبیین نماییم.

مطالب این فصل، مسیری را معرفی می‌کند تا آنچه در فصل دوم بیان کردیم، عملیاتی شود و به آنچه در فصل سوم آرزو کردیم، برسیم. سه شیوه پیشنهادی در این فصل عبارت است از:

شیوه اول: دریافت مدرک رایج با حداقل فرصت‌گذاری

از آنجایی که فرصت‌گذاری برای دریافت مدرک به منزله اتلاف وقت است، در این شیوه افراد می‌توانند، بدون اینکه فرصت‌های اصلی خویش را به مدرسه و دانشگاه بسپارند، از مدارک تحصیلی استفاده کنند؛ مثلاً برای دیپلم گرفتن، می‌توان از آموزش متفرقه و شبانه و از راه دور بهره برد. همچنین برای دریافت مدرک دانشگاهی می‌توان از دانشگاه‌هایی استفاده کرد که نیاز به صرف وقت زیاد ندارند؛ مانند دانشگاه‌های شبانه، پیام‌نور، برخی از رشته‌های دانشگاه آزاد، علمی کاربردی و دانشگاه‌های غیرانتفاعی.

شیوه دوم: دریافت مدرک معادل

شیوه دیگری که به وسیله آن می‌توان از فرهنگ رایج مدرک‌محوری عبور کرد، استفاده از گواهی‌های معادل مدرک است. معمولاً در جامعه‌ای که

مدرک‌محوری وجود دارد، موقعیت‌هایی تعریف می‌شود که افراد شایسته بتوانند، بدون طی کردن مراحل کسب مدرک، گواهی‌های معادل مدارک کسب کنند. چند نمونه از این شایستگی‌ها عبارت‌اند از:

- حفظ قرآن: کسی که نیت خود را برای حفظ قرآن خالص و بی‌شائبه می‌کند، دلیلی ندارد که فرصت خود را به دریافت مدارک رایج تا حد لیسانس اختصاص دهد؛ چراکه طبق قوانین موجود، حافظان کل قرآن می‌توانند، بدون داشتن مدرک کارشناسی در آزمون کارشناسی ارشد شرکت نمایند. بدیهی است، اگر کسی به نیت استفاده از مدرک لیسانس، قصد حفظ قرآن داشته باشد، از اخلاص در نیت فاصله گرفته است و در عمل نیز بعید است به مقام حافظ قرآن نائل شود و در حقیقت دین و دنیای خود را از دست داده است!

- استفاده از مراکز ارائه‌دهنده مدرک: مراکز مختلفی وجود دارند که با ارائه دوره‌های متناسب با نیاز افراد، مدارکی را عرضه می‌کنند. استفاده از این مراکز، فرصت مناسبی است که افراد طبق استعداد و رغبتشان، دوره‌ها را طی کرده و مدرک دریافت نمایند؛ مانند سازمان فنی حرفه‌ای یا جهاد دانشگاهی.

شیوه سوم: ارائه قابلیت‌های جایگزین مدرک

اگر دقت کنیم در جامعه‌ای که مدرک نشانگر توانمندی افراد است، توانمندی افراد نیز می‌تواند به مرور زمان، جایگزین مدرک شود. برای عبور از فرهنگ «تقدس مدرک» یکی از راه‌های مناسب این است که افراد قابلیت‌های خود را به مخاطبین ارائه دهند. نمونه‌ای از راهکارهای

معرف قابلیت‌ها، عبارت است از:

- ثبت اختراع: برای کسانی که توانمندی کشف و اختراع دارند، فرصت مناسب این است که ثبت اختراع خود را به‌عنوان مدارک رایج جایگزین کرده و توانمندی خود را ارائه دهند.

- تألیف مقاله: از آنجا که نگارش مقاله‌های علمی، روشن‌گر جایگاه علمی افراد است، یکی از راه‌های جایگزین اتلاف وقت در مسیر کسب مدرک، رفتن به‌دنبال علم سودمند است که فرد توانمندی‌های علمی خویش را در قالب مقاله به جامعه علمی ارائه دهد.

- انجام فعالیت‌های علمی سودمند: آن دسته از فعالیت‌های علمی که نیازی را از جامعه مدرک‌پرست برطرف نماید، می‌تواند نشانگر قابلیت‌های فرد باشد، طوری که به‌جای ارائه مدرک، نمونه توانمندی‌های خویش را عرضه کند.



فصل پنجم: آفت شناسی جایگزینی قابلیت به جای مدرک

در فصل‌های قبل، دربارهٔ تعریف و تحلیل جایگاه مدرک در جامعهٔ امروز و چگونگی جایگزینی «قابلیت» به جای «مدرک»، صحبت کردیم. با نتیجه‌گیری اجمالی، می‌توان گفت: «ما موظفیم با تقویت تعامل و ارتباط‌های انسانی، قابلیت‌های خود و جامعه را جایگزین مدرک کنیم.»

قدم‌نهادن در چنین عزم مهمی، حتی اگر کاملاً متعادل و درست انجام گیرد، ممکن است دچار آفت‌هایی شود. الزاماً این آفت‌ها به‌عنوان عیب و نارسایی جایگزینی قابلیت به جای مدرک نیست و برای پیشگیری و جبران این آفت‌ها لازم است، تدابیری اندیشیده شود.

در این فصل به هفت آفت از نمونه آسیب‌هایی که ممکن است به‌واسطهٔ حذف مدرک در جامعه ایجاد شود، اشاره می‌کنیم و برای هر آفت، حداقل یک راهکار پیشگیری یا جبران‌کننده بیان می‌شود. آفات «جایگزین قابلیت به جای مدرک» عبارت‌اند از:

آفت اول: ایجاد شکاف بین فرهیختگان مخالف مدرک و عوام جامعه

فرهیختگانی که سعی می‌کنند، قابلیت افراد را جایگزین مدرک نمایند، ناخواسته ممکن است به عادت رایج مردم جامعه، مبنی بر تقدس مدرک بی‌احترامی کنند. چه‌بسا تقابل این فرهیختگان با عوام جامعه، باعث شکاف بین آن‌ها شود و آفت این مسیر باشد.

■ راهکار: یکی از راهکارهای مهم برای پیشگیری و جبران این

آفت، ترویج فرهنگ و نگرش صحیح به مدرک، در بین مردم

است.

آفت دوم: پنهان ماندن قابلیت افراد بدون مدرک

در جامعه‌ای که در طول چندین دهه مهم‌ترین عامل تشخیص قابلیت افراد مدرک بوده است، فضایی حاکم است که حتی اگر قابلیت در یک نفر دیده شود از او سراغ مدرک گرفته می‌شود. در چنین جامعه‌ای ممکن است، افراد توانمند و دارای قابلیت، به علت نداشتن مدرک شناخته نشوند.

■ راهکار: برای رفع این آسیب پیشنهاد می‌شود، افراد دارای قابلیت خود را از دریافت مدارک رایج محروم نکنند یا قابلیت‌های خود را به فعالیت‌های افراد دارای مدرک، ضمیمه کنند.

آفت سوم: سوءاستفاده افراد بدون مدرک

معمولاً پس از ابداع هر روش صحیح، سوءاستفاده‌گرانی وجود دارند که پشت نقاب آن روش صحیح، مقاصد شخصی خود را دنبال می‌کنند؛ به عنوان مثال وقتی کارخانه‌ای محصول مطلوب و مناسبی به جامعه عرضه می‌کند، افرادی هستند که با جعل نام آن کارخانه، جنس نامرغوب خود را وارد بازار می‌کنند. درباره ترویج قابلیت افراد در جامعه نیز ممکن است، افرادی که نه مدرک دارند و نه قابلیت، خود را به عنوان افراد توانمند به جامعه معرفی کنند!

■ راهکار: یکی از راهکارهای مقابله با این آفت، ارائه آگاهی‌های لازم برای شناخت افراد شایسته و توانمند است.

مراجعه کنندگان باید قدرت تشخیص قابلیت افراد را داشته باشند.

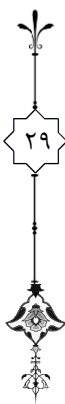
آفت چهارم: ثبات قدم نداشتن افراد شایسته در برابر حذف مدرک

چون فرهنگ مدرک گرایی در ابعاد مختلف جامعه، به خصوص سازمان های اداری و رسمی رسوخ کرده، ممکن است با تقویت فرهنگ قابلیت، همچنان پایبندی به مدرک پایدار بماند و به صورت عادت اجتماعی درآید. در این موقعیت افرادی که به دنبال تقویت قابلیت خویش هستند، ممکن است به مرور زمان به همان عادت رایج بسنده کرده و در پایبندی به قابلیت خویش ثابت قدم نباشند.

■ راهکار: برای حل این آفت پیشنهاد می شود، فلسفه جایگزینی قابلیت به جای مدرک، به درستی ترویج شود. به طوری که افراد هدف از توانمندی را رشد و تعالی خویش بدانند، نه صرفاً برای جایگزینی مدرک.

آفت پنجم: حذف مشاغل تولیدکننده مدرک

با توجه به سابقه چندین ساله مدرک در جامعه، شغل هایی به وجود آمده اند که هدف و ابزار آن ها صرفاً ارائه مدرک است. در صورتی که اگر قابلیت جایگزین مدرک شود، این شغل ها محکوم به نابودی هستند. این تغییر می تواند آفتی برای بسیاری از افراد شاغل باشد.



■ راهکار: به مراکزی که صرفاً تولیدکنندهٔ مدرک هستند، پیشنهادهای عملیاتی داده شود تا قابلیت افراد را ارتقاء داده و این گونه به حیات خود ادامه دهند؛ برای مثال اگر یک مرکز آموزشی، بدون ارائهٔ معلومات ضروری به مخاطبین، مبالغی از ایشان دریافت کرده و مدرک ارائه می‌دهد، لازم است امکاناتی در اختیار این مرکز قرار بگیرد تا آموزش علم سودمند به مخاطبین را جایگزین اعطای مدرک کند.

آفت ششم: مقبولیت نداشتن افراد شایسته در جامعه

افرادی که توانمندی‌های لازم برای خدمت به جامعه را دارند، باید با ابزارهای گوناگونی به جامعه معرفی شوند. اما، از آنجا که یکی از ابزارهای دورانِ مدرک‌گرایی، ارائهٔ مدرک به افراد است، ممکن است شخصی با وجود توانمندی به علت نداشتن مدرک، محبوبیت لازم را در جامعه پیدا نکند.

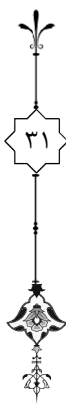
■ راهکار: برای پیشگیری و دفع این آفت می‌توان از راهکار بیان‌شده برای آفت سوم استفاده کرد.

آفت هفتم: سردرگمی افراد برای کسب قابلیت

در جامعهٔ کنونی مدرک‌گرفتن، نیاز زیادی به استعداد و توانمندی درونی ندارد؛ به عنوان مثال اگر کسی قصدِ گرفتن مدرک دکتری را داشته باشد، تنوع رشته‌ها در مقطع دکتری به قدری زیاد است که افراد به هر

حال می‌توانند مدرک دریافت کنند. از این‌رو، چه‌بسا افرادی بدون در نظر گرفتن استعداد و قوای درونی خویش، مدرکی کسب کنند که ارتباطی با طبعشان ندارد. این در حالی است که شرط لازمِ قابلیت یافتن در هر عرصه‌ای، توجه به طبع و استعداد درونی است. اگر فرهنگ جایگزینی قابلیت به‌جای مدرک ترویج شود، شاید این آفت به وجود آید که افراد برای توانمندسازی خود، دچار سردرگمی شوند.

■ راهکار: از راه‌های جبران این آفت می‌توان به دو گزینه اشاره کرد: اول، کسب علم، معرفت، فن و مهارت، بر اساس رغبت‌های درونی و نیاز اجتماعی باشد؛ دوم، نوجوانان و جوانان برای تقویت خویش در جویانگاه‌های مختلف، سعی نمایند تا عرصه لازم برای کسب قابلیت خود را بیابند.



...معلمین عزیز!

باید جوانان را بسازید. باید نوجوانان را با روحیه کار، استقلال و علم طلبی پرورش دهید نه با روحیه مدرک طلبی ... مدرک به این عنوان که نشان دهد فردی دارای این معلومات است خوب است؛ اما نمی تواند منشا اثری شود.

آنچه مهم است، علم است.

علم و کار برای جامعه لازم است.

امام خامنه ای (روحی فدا)

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، سیزده اردیبهشت ۱۳۷۴

